

هنر موسیقی و رقص در آسیا^۱

از: آوانا دووانگاری

مؤسس و مدیر مجمع موسیقی آسیایی



همراه با شکل تدریجی آسیای جدید در سالهای اخیر، موضوعی تازه برای عده بسیاری از مردم مغرب زمین - فرهنگ آسیا - بوجود آمده است بخصوص، هنرهای موسیقی و رقص در هند و پاکستان، امثالی ایندو هنر در آسیای غربی، جنوب شرقی و شرق آسیا، آنچنان وضعی دارد که پژوهندگان ناچارند بگروههای متخصص مختلف تقسیم شوند.

در گذشته - و بمعنای اعم - احساس بدون تعمق، از درك واقعی فرهنگهای وسیع آسیا ممانعت میکرد، نیز اگر موضوع زیاد روشن و آشکار نبود، حتی بررسی نیمه هشیارانه، محققین را به هدف کامل و مطمئن نمیرسانید، و تعیین نمیکرد که این فرهنگها در چه مراحل و نکاتسی با جنبه‌های با ارزش و معیارهای فرهنگ مغرب تباین و اختلاف دارد، و نیز مشخص نمیکشت که اصل و ریشه «بومی» آن، که بیان درنمیآید، در کجاها قرار دارد.

۱- این مقاله را آقای «آوانا دووانگاری» که از موسیقی دانان مشهور هند است
جهت درج در مجله موسیقی ارسال داشته است.

اصطلاح معروفی که کیلینگ بمل آسیائی میداد: «اجتماعات کوچکتر بدون قانون»، مانع از این میشد که در قلوب فاتحین این کشورها در دوره‌های استعمار، محبتی ازین مردم بوجود آید. و پژوهش مفیدی که تاکنون بمنظور تحقیق در اینباره صورت گرفته، همانا صحبت‌های دوستانه با فروتنی درباره هنرها و صنایع شرقی در سالونها و باشکاهها بوده است. بعضی‌ها سعی کرده‌اند که مطلب را از راه علم «انسان‌شناسی» تحلیل و تحقیق کنند، باین امید که در طی چنین تحقیقاتی، بر طبق آنچه در راه‌های تکامل غرب کشف شده است، کمکی برسیدن بسهدف خویش بیابند. اما اینراه خیلی بندرت آنها را با کثر مسائلی که در پیش پایشان قرار دارد راهنمایی میکند.

«اسوالد اسپنگلر Oswald Spengler» در «رد نظریات مقرب زمین» کوشزد میکند که موسیقی اروپا نمونه و جوهر خالص و اصیلی از تمدن آنجاست. با همین استدلال میتوان گفت که موسیقی هندی نمونه و نماینده‌ای از تمدن هند است.



نوازنده سیتار: راوی شانکار

« تابلاس : چاتورلال

« تامبورا : نهمولیکا

در کنسرتی که توسط «مجمع موسیقی آسیائی» ترتیب داده شده است.

من در اینجا میگویم که کلمه «هندی» را بمعنا و مفهوم قبل از تقسیم کشور هند (۱۹۴۷) بکار میبرم و منظور از هند قسمتی است که تقریباً قاره کوچکی را تشکیل میدهد نه

کشور هندی که جدا از «پاکستان» امروز باشد. و باین ترتیب در ده سال اخیر مفهوم بالارا باید «هندوپاکستان» نامید. خوشبختانه در این مدت جدایی دو کشور نتوانسته است در توارث مشترك آنها در هنر «سانکیتا» و موسیقی و رقص تفرقه‌ای ایجاد کند.

بطور کلی میتوان موضوع معرفی رقص و موسیقی آسیا را در سه قسمت بیان داشت. (۱) تعلیم موسیقی و رقص با اکثریت مردم هر کشور آسیائی مانند ژاپون، هند یا اندونزی؛ (۲) نمایش و ارانته آن در دیگر کشورهای آسیائی (و افریقائی)، که مطلب اخیر مربوط بمسئله تعلیمات داخل آسیائی میباشد و (۳) عمومی کردن نتایج این تعلیمات در ممالک غربی. بدون تردید، هر کدام از این سه، باندازه کافی پیچیده و مشکل است. زیرا مثلا میتوان در نظر آورد که موسیقی جنوب هند که در «وینا» (Veena) و «مریدانگا» (Mridanga) رواج دارد وقتی در جلو خبرگان موسیقی «گاکاکو» (Gagaku)، در «بیوا» (Biwa) و «کوتو» (Koto) نواخته شود، همانقدر ناخوشایند و نامأنوس مینماید که در نظر مردم مغرب.

بنظور پایه گذاری اساسی در بررسی، ابتدا لازمست که طرحها و ترکیبهای رقص و موسیقی کلاسیک و عامیانه هندی و دیگر کشورهای آسیا مشخص شود این ترکیبات و طرحها مانند هر سبک اساسی تنبیت شده نسبت بدیگر خصوصیات موسیقی آسیا دارای تنوع روشنتر و قطعی تریست.

البته در این کشور، موسیقی بطور خالص يك امر تفننی است، «غذائیت برای عشق» و تسکینی برای احساسات و حشیانه، و غیره است، اما سانکیتا (میسیک رقص)، در عالیترین سیما و منظره خویش، يك تجربه و آزمایش محسوب میشود (میتوان آنرا يك تجربه روحی و معنوی دانست). این رقص راهی از زندگی است، کنفسیوس گفته است: «موسیقی ارتباط نهائی روابط اساسی وجود است.»

اهل تصوف در قرن دوازدهم در ایران، - از همان زمان موسیقی ایران، موسیقی کاملی بود -، و از آنجمله شیخ صفی الدین (۱۲۹۴ میلادی) عقیده مند بودند که «بوسیله گوش دادن بموسیقی است که می توان از راه جذب و شوق بحقیقت اصلی و نهائی رسید». در هندوستان «یاچنا والکیا» (Yajñawalkya) گفته است: «کسی که صدای «وینا» (Veena)، «شروتیس» (Shrutis) (فواصل کوچکتر از نیم پرده)، گامهای «راگا» (Raga)، و «تیلز» (Tales) (میزانها) رامیشناسد، بسهولت در راه آزادی و آزاد-مردی راه میپوید.

بهرتر است که بنظور يك درك کلی و جامع، موسیقی و رقص آسیائی از سه نقطه نظر مورد بررسی قرار گیرد. ۱- از نظر افسانه‌های باستانی، ۲- از لحاظ خصوصیت متافیزیک مذهبی آن و ۳- استتیک فنی. ضمناً توصیه‌ای نیز لازم بنظر میرسد: اگر چه

نکته‌های (۱) و (۲) ممکنست همیشه قابل قبول نباشد، اما (۳) هم لازم و هم کافی برای درک کلی این دو خواهد بود.

بهر ترتیب، ذکر این نکته که موسیقی هندی، مانند اغلب عوامل دیگر از سنن و عادات آن ملت پیروی می‌کند، نباید این شبهه را ایجاد کند که این موسیقی رنگ کاملاً مذهبی دارد، حتی اگر خیلی از هندوها مایل باشند که ما چنین معتقد باشیم. مذهب به مفهوم کامل کلمه در لغت هندی «دهارما» (Dharma) نامیده میشود، اما مفهوم آن بسیار وسیع‌تر و گسلی‌تر از آنچه ما در غرب از این کلمه می‌فهمیم می‌باشد.

دهارما شامل روابطی است، بین انسان‌ها، انسان و دنیا، خدا و انسان. روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روحی و اخلاقی، که کم و بیش در تمام مذاهب و ادیان بآنها اشاره شده است. عبارت دیگر دهارما راه زندگی دنیا و آخرت است.

فرهنگهای آسیای جدید بدون هیچ شك، امروز بیش از گذشته، کنجکاو مردم غرب زمین را برانگیخته است. و بهین جهت در سال ۱۹۵۳ در لندن جمعیتی بنام «مجمع موسیقی آسیائی» تشکیل گردید، که آقای «پهروی منوهین» بعنوان رئیس مجمع انتخاب شد. در اینجا اگرچه من برای روشن کردن بعضی نکات، بیشتر بتشریح جنبه‌های موسیقی هندوپاکستان پرداخته‌ام، اما منظور «مجمع موسیقی آسیائی» بطور کامل عبارت از بررسی و تشویق موسیقی و رقص در تمام کشورهای آسیائی است. و در این باره وسائلی برای درک عمیقتر و حسن تفاهم بین مردم آسیا و اروپا ایجاد کرده است. اینکار بوسیله ترتیب دادن کنسرت‌های منظم، ایجاد کلاسهای عالی تحقیقی، تنظیم سخنرانی‌ها بکمک کارشناسان غربی، و ملاقات هنرمندان کشورهای آسیائی صورت گرفته است. این مجمع از زمان تاسیس خود تاکنون، چندین کنسرت موسیقی و رقص کشورهای مانند برمه، سیلان، چین، مصر، هندوستان، اندونزی، ایران، ژاپون، پاکستان، فیلیپین، تایلند، و تبت ترتیب داده است.

من در مسافرت اخیر خود بهامبورگ (آلمان) بکنفرانس بین‌المللی موسیقی که توسط یونسکو ترتیب داده شده بود ملحق شدم، در این کنفرانس پنجاه نماینده از پنجاه کشور شرکت کرده بودند. نمایندگان کشورهای آسیائی از اندونزی، ایران (دکتر مهدی برکشلی)، مصر و کره باین کنفرانس پیوسته بودند.

رای انجمن براینقرار بود که درخواست گردد هنر موسیقی و رقص آسیائی باید امکان تجلی بیشتری یافته و فرصت داده شود که در فستیوالهای موسیقی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مدارس، آکادمیها و دانشگاهها برای خود جای مناسبی بازکنند و نیز ما موفق گشتیم توجه بسیاری از مردم آلمان، هلند، بلژیک و فرانسه را برای

ایجاد شعبه‌ها و قسمتهای «مجمع موسیقی آسیائی» در اینکشورها جلب کنیم .
ما آرزو مندیم کمک‌های مفیدی ب مردم کشورهایی که مایلند شعبه‌های مشابه در
آنجا داشته باشند بنماییم و بدینوسیله آمادگی خود را برای ایجاد هر نوع ارتباط
تشکیلاتی و انفرادی با رهبر مجمع موسیقی آسیائی (18, Fitalan Road, -
(London, N.3. England اعلام میداریم .

در تشریح نقشه‌های آینده مجمع و اشتراك مساعی با یونسکو، آقای یسودی
منوهین رئیس مجمع در يك برنامه رادیوئی یونسکو گفت : «مجمع موسیقی آسیائی»
هر سال نسبت بسال پیش يك نتیجه قابل ذکر، از ازدیاد تعداد اعضا، و هنرمندان
اجراکننده بدست آورده است ؛ و فعلا در نظر است که مرکز مجمع در لندن باشد زیرا
باین ترتیب فرصت و امکان بیشتری برای ازدیاد شعبه‌ها در کشورهای اروپائی ممکن خواهد
بود . وظیفه اشاعه نظریات مجمع بعمده تمام کشورهای دنیائی است که ما امروزه در
آن زندگی می کنیم . این وظیفه یکی از اساسی ترین مسائل قرن ماست .
وظیفه و تکلیف اساسی قرن ما آنست که بکدیگر را بهتر بفهمیم .

ترجمه پرویز منصورى



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی